

تاریخچه هنر نقاشی ایران

در دوره اسلامی

از آغاز سده یکم تا پایان سده ششم

- ۲ -

در بخش‌های اول و دوم این نوشته روشن شد که ایرانیان سده های يك تا شش دنباله هنرهای ایران ساسانی را رها نکردند و در گسترش و باروری آنها کوشیدند، زمانه نیز آنان را یاری میکرد. در میان این هنر-ها نقاشی ارزشی بزرگ داشت و نقاشان ایرانی آفریننده زیبا-ترین پرده های دوران خود بودند. این هنرمندان در همه زمینه های هنر نقاشی دست داشتند که مسا در بخش دوم چهره نگاری، پرده های شکار و رزم و نگاره های بزم و مهر-ورزی را بررسی کرده ایم اینک دنباله سخن:

نوشته :

کیوان رضوی

۴- تکارش پرده‌های داستانی و افسانه‌ای

ایرانیان ۶ سده اول از جنگاورترین و نیرومندترین توده‌های جهان آنروز بودند؛ هر گاه که سالاری خردمند راهبری این توده را بگردن می‌گرفت، جهان روزگار خود را بلرزه می‌انداختند. روشن است که چنین توده ژیان و یرتوان بداستانهای پهلوانی دل‌بستگی بسیار می‌داشتند.

نشانه این دل‌بستگی شاهنامه‌های فراوانیست که در آندوران سروده‌اند. گویندگان و سخنوران در نشستهای زمان آسایش داستانهای پهلوانی را برای شنوندگان می‌خواندند و بسا که از پرده‌های پهلوانی نیز برای گویا تر شدن داستانها و افسانه‌ها کمک می‌گرفتند.^۱

پرده‌هایی که در اینگونه نشستهای شاهنامه خوانی و افسانه‌گویی بکار میرفت هم کار «د کور» را در قاتر امروز می‌کرد و هم اینکه «اسلاید»ی بود در راستی گفتار گوینده.

در سده پنجم و ششم داستانهای شاهنامه فردوسی بیش از هر کتاب دیگر قلم‌نقاشان را بخدمت گرفته‌است. زیبایی‌داستانهای فردوسی، که در همه زمینه‌ها از دیگر سراینده‌گان والاتر و برتر است، نقاشان را و می‌داشت تا نگاره‌هایی فراخور این داستانها بیافرینند. داستانهای عشقی زال و رودابه، بیژن و منیژه، بهرام گور و همچنین جوانی و برومندی سیاوش، پهلوانی و شکست ناپذیری رستم، روئین تن بودن اسفندیار، جوانمردی سهراب و ... شایان هر گونه کوششی هستند تا همگان با اینگونه ابرمردی‌ها آشنا شوند. و بر راستی که نقاشان سده پنجم و ششم در این زمینه کوشش بسیار بکار برده‌اند.^۲

(۱) این روش تا امروز هم دنباله دارد. نگاه کنید به «نقاشیهای قهوه‌خانه‌ای» و گفتارهای «پرده‌داران» و «نقلان»

(۲) اگر بدکنی کيفرش بدبیری
نه چشم زمانه بخواب اندر است
برایوانها نقش بیژن هنوز
بزندان افراسیاب اندر است

از پیش گفتار روانشاد استاد پورداد بر کتاب بیژن و منیژه برک ۳۰- به نقل از هفت انلیم احمد امین دازی که در سال ۱۰۰۲ پیاپی رسیده.

✽ همچنین برک ۶۳ کتاب تاریخ ادبیات ایران نوشته استاد ذبیح‌الصفاه که فرموده‌اند:

بقیه در صفحه روبرو

نکاره ایکه ، تا امروز هم گاه و بیگاه ، در گوشه و کنار ، بدست میآید ، صورت گور یا گوزنی است در زیر و شیری بر پشت او جهیده و در کار دریدن گوزن است که تیر کمانداری شیرو گور را بر جای دوخته است. این نکاره - که میتواند از دیده «اخلاق اجتماعی» توده ایرانی نیز شایان دقت باشد - در ریشه به بهرام گور و دلاوریهای او میرسد.^۳ روشن است که پس از بهرام نیز تاسدهای پیاپی اینگونه نکارهها بسیار کشیده شده است.^۴

داستان گرشاسب و ازدها نیز از آن داستانهاست که اندیشه نقاشان ایرانی را بسوی خود کشیده است. این داستان آریائی - که خود نمونه ستیز با بدیهاست - به چند شاه و پهلوان دیگر نیز بسته شده است. از میان این داستانها باید بهرام گور را یاد آورد. نظامی در اینباره گوید :

نقشبند آمد و قلم برداشت صورت شاه و ازدها بنگاشت
هر چه کردی بدین صفت بهرام در خورنق نکاشتی رسام
گذشته از داستانهای شاهنامه، نکار گران ایرانی افسانههای میثرائی را نیز مینگاشتند. نکاشتههای پنج کت نیز در چشم نویسنده از این گروه باید باشد. بازیل گمرای موزه دار بریتیش میوزیوم در مورد یکی از نکارههای پنج کت چنین گوید :

بقیه از صفحه مقابل

«... در يك قطعه منسوب به فردوسی نیز اشاراتی بدستان بیژن می بینیم:
در ایوانها نقش بیژن هنوز بزندان افراسیاب اندر است
و این بیت از شهرت فراوان داستان منیوه و بیژن حکایت میکند تا بدانجا که تصاویر
آنان را در ایوانها و بر درخانها نیز نقش می کرده اند.»

(۳) گفت منذر به کار فرمایان تا سه پرگار صورت آریایان
در خورنق نکاشتند به زر صورت گور زیر و شیر زیر
ش زده تیر و جسته زان دو شکار در زمین غرق گشته تا سوقار
چون نکارنده این رقم بنگاشت هر که آن دید جانور پنداشت
(هفت پیکر چاپ جیبی بروک ۲۴)

(۴) نگاه کنید به کتاب حدود العالم در زیر نام بلخ :
«شهری بزرگست و خرم، مقر خسروان بوده است اندر قدیم و اندر وی بناهای خسروانست
با نقشها و کار کردهای عجیب و ویران گشته.»

در میان نقاشیهای پنج کت قسمتی که کاملاً محفوظ مانده بطول ۱۵ متر است که در روی آن یکدسته سوار نظام عازم جنگ بوده و نیز پهلوانی ایرانی با ازدهای مخوفی مشغول مبارزه میباشد. تمام این نقاشیها بر روی بوم آبی ترسیم شده است. يك تکه دیگر نقش نبرد رستم با دیوهای نیمه انسان است.^۵ بدبختانه نویسنده باین نگاره دسترسی نداشته است و نمیتواند چگونگی های آنرا واری کند.

۵- نقاشی کتابها

ارزش نگاره در روشن کردن خواست نویسنده کتاب بسیار روشن است. نویسندگان ایرانی بسیاری از برگهای کتابهای خود را ویژه نگاره های مینمودند که در روشن تر کردن نوشته ها کار آمد بوده اند. روی آوردن نویسندگان به نگاره ها و پیراستن کتابها به نقش و نگار آنچنان همگانی بوده است که امروزه از نقاشی ایران تنها به یاد آوری نقاشی کتابها (مینیاتور) بس میشود. نویسندگان و کتابسازان ایران بویژه کتابهایی را که برای سالاران و سروران زمان خود مینوشتند به نگاره های بسیار میآراستند. از آرایش کتابی که مسعودی در فارس دیده است و همچنین نگاره های کتاب کلیه و دمنه رود کی و نیز کتاب الفیه در بخش نخست این بررسی سخن گفته ایم. اینک میبپردازیم به کتاب دیگری که نگاره هایش در زبان پارسی زبانزدهمه است و آن ارژنگ مانی است.^۶ روشن است که چشمداشت ما از ارژنگ مانی همان کتابی نبوده است که مانی آنرا نوشته و آراسته است، بلکه کتابهای دیگریست که از روی کتاب نخستین رونویس شده و به نگاره های در همان زمینه آرایش یسافته است. آخرین خبر از بودن این کتاب را در آغاز سده پنجم، ابوالعالی در کتاب بیان الادیان میدهد و میگوید که: «در خزائن غزنین هست». نویسنده این بررسی بسبب گفتارهای فراوانی که درباره نقاشی کتابها رفته است خود را

(۵) ترجمه از مقدمه باذیل گرای بر کتاب مینیاتور ایران بزبان فرانسه

(۶) ارتنگ و ارژنگ مانی در ادبیات ایران بسیار بکار رفته و برابر بانگاره و نگاشته های زیبا و چشمگیر است و کمتر سراپنده ایست که این واژه را بکار نبرده باشد.

از باز گو کردن آنها بی نیاز میدانند و خوانندگان پی گیر را به نوشته های استاد بهنام و نویسنده کان اروپائی راهنمایی میکند.

۶- نقاشی ساختمانهای دینی

در بخشهای پیش یاد آور شدیم که تاسده پنجم پیروان کیشهای گوناگون در سرزمین ایران روزگار را به آسانی کنار هم میگذرانند. هر يك از این کیشها از خود نیایشگاههای ویژه ای داشتند؛ و پیروان هر دین در جست و جوی همراهان و همکیشان تازه بودند. این گروه در راه بر آوردن خواستهای خود بدستاوریزهای گوناگون دست میازیدید. از میان این دستاوریزها گفتارها و نگاره ها از همه کارآمدتر بودند چه بیشتر مردم از خواندن و نوشتن ناتوان بودند و کشاندن آنان بسوی خود بکمک کتابها و نامه های بی پیرایه دشوار بود.

مسلمانان در آغاز کار خود از گفتار بیش از همه سود بردند. سخن آنان که برادری و برابری را نوید میداد بر دل توده شنونده مینشست؛ از اینرو نیازی بزبور و پیرایه نداشتند. در سده های چهارم و پنجم از آن مسلمانان پا کدل کمتر نشانی دیده میشد. اسلام در دست خلیفه و یارانش دستاویزی شده بود برای فرمانروائی و کاهرانی. در این زمان بود که برای کشاندن مردم به مسجدها و نگهداشتن ایشان در آئین «برابری و برادری کهن» به آرایش مزکتها پرداختند. و خانه خدا را بهمچشمی بتکده ها و کلیساها پراز نقش و نگار کردند. ویژگی آرایش مسجدها در آن بود که در این خانه خدا چهره ها را نمینگاشتند. نگار گران در آرایش دیوارها و نوشته ها از «موتیف» های گیاهی کمک میگرفتند؛ هزاران طرح از شاخ و برگ رزآفریدند، همچنین از انار و برگهای کنگر و بید و پیچک. پیچیدگی و بی پایانی این طرحها آنچنان زیبا و چشمگیر بود که بیننده ناخود آگاه بیاد ناتوانی خود و بزرگی پروردگار میافتاد. همچنین نگار گران به نقشهای هندسی، دایره ها و حلزونیهای بی پایان نیز روی آوردند و آنها را در کنار نگاره های گیاهی نشاندهند.

نگارگران ایرانی با استیلیزه کردن موقیفهای گیاهی و کمک گرفتن از نقوش هندسی توانستند نقشهائی بسیار زیبا بیافرینند و کلام خداوند را در میان بهشت او بنشانند.

رنگهائی که نفاشان ایران در آرایش مسجدها بکار میبردند رنگهائی بسیار دیرپا بوده است؛ همچون رنگهای لاجوردی، فیروزه‌ای، سبز، سیاه، سفید، اخرائی رسوده زروسیم.

نگاره‌های مسجدها تنها به نقش و نگارونگین و گچ بری بس نمیشد. رشته دیگری از هنر نگارگری که ساختن و پرداختن نقشهای آجر تراش است نیز در اینگونه ساختمانها بکار گرفته میشود. نقشهای زیبا و چشمگیر آجر تراش بر رنگهای زرد، خاکستری و سرخ که بر زمینه‌های ناهم‌رنگ کار گذاشته میشدند هنگام تابش خورشید و یاماه آنچنان زیبا و چشمگیر بوده است که بیننده را بیخود میکرده است طرح کنندگان این نقشها. که امروزه بسیاری از آنها در جلوی چشمان ما هستند. با دانشی بسیار و دیدی باز نقشها و رنگها و سایه روشنها را بکار می‌گرفتند. چنانکه امروز نیز با همه فرآورده‌های یکنواخت و زیبایی صنعتی، ساختن چنان نگاره‌هایی بسیار سخت و توانفرساست. در نیایشگاههای کیشهای دیگر همچون کلیساهای مسیحیان و بتکده‌های بودائیان نیز نقاشان ایرانی دست بکار آفرینش بودند؛ همچون معابد قندهار، بلخ، بامیان و... از این نیایشگاهها و زیبایی نقشهای آنها در ادبیات پارسی سخن بسیار رفته است که نمونه‌هایی از آن سخنهارا در گذشته دیده‌ایم.

گذشته از بودائیان مانویان نیز در عبادتگاههای خود نگاره‌های بسیار زیبایی را مینگاشتند. پس از برافتادن ساسانیان که مانویها دوباره جانی تازه گرفتند دین مانی رواجی نیویافت. چنانچه در حدود العالم من المشرق الی المغرب آمده است، مانویها تا سال ۳۷۲ نیز در سمرقند نیایشگاه داشته‌اند. بگفته حدود العالم « اندر سمرقند خانگاه مانویان است و ایشان را نفوشاك خوانند».^۷

۷- حدود العالم برک ۱۰۷ شماره ۱۳

همسانی واژه‌های خانگاه با خانقاه و همچنین نفوشاك با نقش و نگاشتن درخور اندیشه است.

درخوجو باستانشناسان غاری رایافته‌اند که نیایشگاه مانویان بوده است. بر دیواره این غار نگاره‌های بسیاری را نگاشته‌اند. در یکی از این نگاره‌ها مردی دیده میشود با سبیل آویخته و ریش دوشاخ. روبروی این مرد گروهی زن و مرد ایستاده و بسخنان او گوش فرا داده‌اند. سبک این نقاشی‌ها هماهنگی بسیار با نگاشته‌های های پنج کت دارد.

در باره نگاره‌های دیواری پرستشگاه‌های عیسوی آگاهی نویسنده بسیار کم است. ولی بی‌شک همچنانکه در سراسر رم و بیزانس انبارهای کلیساها تاسده هشتم و نهم میلادی انباشته از پیکره‌ها و شمایلها بوده است، باید کلیسا-های ایران زمین نیز بچنان نگاره‌های آذین یافته باشد.

کهن ترین کلیسایی که در سرزمین کنونی ایران بریاست کلیسائیست در شمال آذربایجان نزدیک ماکو. اگر در زیر اندودهای برویهم این کلیسا جست‌وجو شود شاید بازمانده نگاره‌های تازه‌ای به مجموعه نگاره‌های ایران افزوده شود.



آنچه گذشت نکاهی کوتاه بود بگذشته هنر نگارش میهن ما در ۶ سده اول هجری. نویسنده این گفتار را برای آن نوشته است تا روشن شود هنر نقاشی در ایران از روزگار کهن دنباله داشته و در جای خود هنرمندان ما از هنرمندان غرب نیز پیش‌رفته‌تر بوده‌اند؛ و کارهای ایشان بسیار با ارزشتر و هنرمندانه‌تر از کارهای آنان بوده است. همچنین چشمداشت نویسنده از این گفتار آنست تا دیگر ایران‌دوستان دست به گردآوری بازمانده‌های هنری دورانهای گذشته میهن خویش بزنند و آنها را با دیدی ایرانی بررسی نمایند. باشد که از اینراه بسیاری از گفته‌های بیگانگان در باره گذشته هنرهای میهن ما بی‌ارزش شود، و برگهای نویسی بتاریخ میهن گرامی ما افزوده گردد.



در پایان این بررسی از بنیادهائیکه در ایران خاوری دست بکوش زده‌اند بویژه از باستان‌شناسان شوروی که در پنج کت و شترک کاوش کرده‌اند خواهشمند است، نمونه‌ها و اسلایدهای نگاره‌های پنج کت و شترک و حفریات بعدی خود را در جمهوریهای ماوراءالنهر و تاجیکستان، برای بررسیهای نوین در راه روشن-تر کردن گذشته‌های هنر ایران بوسیله مجله بررسیهای تاریخی در اختیار نویسندگان این بررسی قرار دهند. دسترسی به این گزارشها و نگاره‌ها بهر زبان که باشد او را سپاسگزار خواهد کرد.

پایان